

حکمت ۱۰۰ تا ۲۰۰ نهج البلاغه

حکمت ۱۰۱: روش بر طرف کردن نیازهای مردم (اخلاقی، اجتماعی)

وَقَالَ [عليه السلام]: لَا يَسْتَقِيمُ قَضَاءُ الْحَوَائِجِ إِلَّا بِثَلَاثٍ بِاسْتِصْغَارِهَا لِتَعْظُمَ وَبِاسْتِكْتَامِهَا لِتُظْهَرَ وَبِتَعْجِيلِهَا لِتَهْنَأَ.

درود خدا بر او ، فرمود : بر آوردن نیازهای مردم پایدار مگر به سه چیز ، کوچک شمردن آن تا خود بزرگ نماید، پنهان داشتن آن تا خود آشکار شود ، و شتاب در بر آوردن آن ، تا گوارا باشد.

حکمت ۱۰۲: آینده و مسخ ارزشها (سیاسی، علمی، تاریخی)

وَقَالَ [عليه السلام]: يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يُقَرَّبُ فِيهِ إِلَّا الْمَاحِلُ وَلَا يُظَرَّفُ فِيهِ إِلَّا الْفَاجِرُ وَلَا يُضَعَّفُ فِيهِ إِلَّا الْمُنْصِفُ يَعُدُّونَ الصَّدَقَةَ فِيهِ غُرْمًا وَصِلَةَ الرَّحِمِ مَنًّا وَالْعِبَادَةَ اسْتِطَالَةً عَلَى النَّاسِ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَكُونُ السُّلْطَانُ بِمَشُورَةِ النِّسَاءِ وَإِمَارَةَ الصَّبِيَّانِ وَتَدْبِيرَ الْخِصْيَانِ .

و درود خدا بر او، فرمود: روزگاری بر مردم خواهد آمد که محترم نشمارند جز سخن چین را و خوششان نیاید جز از بدکار هرزه و ناتوان نگردد جز عادل.

در آن روزگار کمک به نیازمندان خسارت و پیوند با خویشاوندی منت گذاری و عبادت نوعی برتری طلبی بر مردم محسوب می شود در آن روز حکومت با مشورت زنان و فرماندهی خردسالان و تدبیر خواجگان اداره می گردد.

حکمت ۱۰۳: روش برخورد با دنیا (اخلاقی)

وَرُئِيَ عَلَيْهِ إِزَارٌ خَلَقَ مَرْقُوعٌ فَقِيلَ لَهُ فِي ذَلِكَ فَقَالَ :
يَخْشَعُ لَهُ الْقَلْبُ وَتَذِلُّ بِهِ النَّفْسُ وَيَقْتَدِي بِهِ الْمُؤْمِنُونَ إِنَّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ عَدَاوَانِ مُتَّفَاوَتَانِ وَ سَبِيلَانِ
مُخْتَلِفَانِ فَمَنْ أَحَبَّ الدُّنْيَا وَتَوَلَّاهَا أَبْغَضَ الْآخِرَةَ وَعَادَاهَا وَهُمَا بِمَنْزِلَةِ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَ مَا شِ بَيْنَهُمَا
كَلِمًا قَرُبَ مِنْ وَاحِدٍ بَعْدَ مِنَ الْآخِرِ وَهُمَا بَعْدُ ضَرَّتَانِ .

و درود خدا بر او: (پیراهن وصله داری بر اندام امام بود شخصی پرسید چرا پیراهن وصله دار می پوشی؟) فرمود: دل با آن فروتن و نفس رام می شود و مؤمنان از آن سرمشق می گیرند.

دنیای (حرام) و آخرت ، دو دشمن متفاوت ، و دو راه جدای از یکدیگرند ، پس کسی که دنیا پرست باشد و به آن عشق ورزد، به آخرت کینه ورزد و با آن دشمنی خواهد کرد.

و آن دو همانند شرق و غرب و انسانی هستند که بین این دو راه می رود، هرگاه به یکی نزدیک شود از دیگر دور می گردد و آن دو همواره به یکدیگر زیان رسانند.

وَ عَنْ نَوْفِ الْبِكَالِيِّ (قَالَ رَأَيْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (ع) ذَاتَ لَيْلَةٍ وَ قَدْ خَرَجَ مِنْ فِرَاشِهِ فَنَظَرَ فِي النُّجُومِ فَقَالَ لِي يَا نَوْفُ أَرَأَيْتَ أَنْتَ أُمُّ رَامِقٍ فَقُلْتُ بَلْ رَامِقٌ فَقَالَ:
يَا نَوْفُ طُوبَى لِلزَّاهِدِينَ فِي الدُّنْيَا الرَّاعِبِينَ فِي الْآخِرَةِ أُولَئِكَ قَوْمٌ اتَّخَذُوا الْأَرْضَ بَسَاطًا وَ تَرَابَهَا فِرَاشًا وَ مَاءَهَا طِيبًا وَ الْقُرْآنَ شِعَارًا وَ الدُّعَاءَ دِثَارًا ثُمَّ قَرَضُوا الدُّنْيَا قَرْضًا عَلَى مِنْهَاجِ الْمَسِيحِ.

۲- مكاسب الاسحار

يَا نَوْفُ إِنَّ دَاوُدَ عَ قَامَ فِي مِثْلِ هَذِهِ السَّاعَةِ مِنَ اللَّيْلِ فَقَالَ إِنَّهَا لَسَاعَةٌ لَا يَدْعُو فِيهَا عَبْدٌ إِلَّا اسْتَجِيبَ لَهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ عَشَارًا أَوْ عَرِيفًا أَوْ شُرْطِيًّا أَوْ صَاحِبَ عَرْطَبَةٍ وَ هِيَ الطَّنْبُورُ أَوْ صَاحِبَ كَوْبَةٍ وَ هِيَ الطَّبْلُ وَ قَدْ قِيلَ أَيْضًا إِنَّ الْعَرْطَبَةَ الطَّبْلُ وَ الْكَوْبَةَ الطَّنْبُورُ.

۱- وصف زاهدان

از نوف بکالی، نقل شده که در یکی از شب ها، امام علی [علیه السلام] را دیدم برای عبادت از بستر برخاسته، نگاهی به ستارگان افکند و به من فرمود: خوابی یا بیدار؟ گفتم بیدارم. فرمود: ای نوف! خوشا به حال آنان که از دنیای حرام چشم پوشیدند و دل به آخرت بستند! آنان مردمی هستند که زمین را تخت، خاک را بستر، آب را عطر و قرآن را پوشش زیرین و دعا را لباس روئین خود قرار دادند و با روش عیسای مسیح با دنیا برخورد کنند.

۲- ارزش سحر خیزی

ای نوف! همانا داوود پیامبر (که درود خدا بر او باد) در چنین ساعتی از شب بر می خواست و می گفت: این ساعتی است که دعای هر بنده ای به اجابت می رسد جز باج گیران، جاسوسان، شب گردان و نیروهای انتظامی حکومت ستمگر و نوازنده طنبور و طبل.

وَ قَالَ [عَلِيهِ السَّلَامُ]: إِنَّ اللَّهَ افْتَرَضَ عَلَيْكُمْ فَرَائِضَ فَلَا تُضَيِّعُوهَا وَ حَدَّ لَكُمْ حُدُودًا فَلَا تَعْتَدُوهَا وَ نَهَاكُمْ عَنْ أَشْيَاءَ فَلَا تَنْتَهِكُوهَا وَ سَكَتَ لَكُمْ عَنْ أَشْيَاءَ وَ لَمْ يَدْعَهَا نَسِيَانًا فَلَا تَتَكَلَّفُوهَا .

درود خدا بر او، فرمود: همانا خدا واجباتی را بر شما لازم شمرده، آن ها را تباہ نکنید و حدودی برای شما معین فرموده، اما از آن ها تجاوز نکنید و از چیزهایی نهی فرمود، حرکت آن را نگاه دارید و نسبت به چیزهایی سکوت فرمود نه از روی فراموشی. پس خود را درباره آنها به رنج و زحمت دچار نسازید.

وَ قَالَ [عَلِيهِ السَّلَامُ]: لَا يَتْرُكُ النَّاسُ شَيْئًا مِنْ أَمْرِ دِينِهِمْ لِاسْتِصْلَاحِ دُنْيَاهُمْ إِلَّا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَا هُوَ أَضْرُّ مِنْهُ .

درود خدا بر او، فرمود: مردم برای اصلاح دنیا چیزی از دین را ترک نمی گویند، جز آن که خدا آنان را به چیزی زیانبارتر از آن دچار خواهد ساخت.

حکمت ۱۰۷: علل سقوط عالمان بی عمل (اخلاقی، علمی)

وَقَالَ [عليه السلام]: رَبِّ عَالِمٍ قَدْ قَتَلَهُ جَهْلُهُ وَ عِلْمُهُ مَعَهُ لَا يَنْفَعُهُ.

درود خدا بر او، فرمود: چه بسا دانشمندی که جهلش او را از پای در آرد و دانش او همراهش باشد اما سودی به حال او نداشته باشد.

حکمت ۱۰۸: شگفتی های روح آدمی (علمی)

وَقَالَ [عليه السلام]: لَقَدْ عَلِقَ بِنِيَابِطٍ هَذَا الْإِنْسَانَ بَضْعَةٌ هِيَ أَعْجَبُ مَا فِيهِ وَ ذَلِكَ الْقَلْبُ وَ ذَلِكَ أَنْ لَهُ مَوَادٌّ مِنْ الْحِكْمَةِ وَ أَوْدَادًا مِنْ خِلَافِهَا فَإِنْ سَنَحَ لَهُ الرَّجَاءُ أَذَلَّهُ الطَّمَعُ وَ إِنْ هَاجَ بِهِ الطَّمَعُ أَهْلَكَهُ الْحِرْصُ وَ إِنْ مَلَكَهُ الْيَأْسُ قَتَلَهُ الْأَسْفُ وَ إِنْ عَرَضَ لَهُ الْعُزْبُ اشْتَدَّ بِهِ الْغَيْظُ وَ إِنْ أَسْعَدَهُ الرَّضَى نَسِيَ التَّحَقُّظَ وَ إِنْ غَالَهُ الْخَوْفُ شَغَلَهُ الْحَذَرُ وَ إِنْ اتَّسَعَ لَهُ الْأَمْرُ اسْتَلَبَتْهُ الْغِرَّةُ وَ إِنْ أَفَادَ مَالًا أَطْغَاهُ الْغِنَى وَ إِنْ أَصَابَتْهُ مُصِيبَةٌ فَضَحَّهَ الْجَزَعُ وَ إِنْ عَضَّتْهُ الْفَاقَةُ شَغَلَهُ الْبَلَاءُ وَ إِنْ جَهَدَهُ الْجُوعُ قَعَدَ بِهِ الضَّعْفُ وَ إِنْ أَفْرَطَ بِهِ الشُّبْعُ كَطَّتْهُ الْبِطْنَةُ فَكَلَّ تَقْصِيرٍ بِهِ مُضِرٌّ وَ كُلُّ إِفْرَاطٍ لَهُ مُفْسِدٌ.

درود خدا بر او، فرمود: به رگ های درونی انسان پاره گوشتی آویخته که شگرف ترین اعضای درونی اوست و آن قلب است که چیزهایی از حکمت و چیزهایی متفاوت با آن در او وجود دارد.

پس اگر در دل امیدی پدید آید، طمع آن را خوار گرداند و اگر طمع بر آن هجوم آورد حرص آن را تباه سازد و اگر نومیدی بر آن چیره شود، تأسف خوردن آن را از پای در آورد، اگر خشمناک شود کینه توزی آن فزونی یابد و آرام نگیرد، اگر به خشنودی دست یابد، خویشتن داری را از یاد برد و اگر ترس آن را فراگیرد پرهیز کردن آن را مشغول سازد.

و اگر به گشایشی برسد، دچار غفلت زدگی شود و اگر مالی به دست آورد، بی نیازی آن را به سرکشی کشاند و اگر مصیبت ناگواری به آن رسد، بی صبری رسوایش کند و اگر به تهیدستی مبتلا گردد، بلاها او را مشغول سازد و اگر گرسنگی بی تابش کند، ناتوانی آن را از پای در آورد و اگر زیادی سیر شود، سیری آن را زیان رساند، پس هر گونه کندروی برای آن زیانبار و هر گونه تندروی برای آن فساد آفرین است.

حکمت ۱۰۹: ارزش والای اهل بیت پیامبر (ص) (اعتقادی، سیاسی)

وَقَالَ [عليه السلام]: نَحْنُ النُّمْرُقَةُ الْوَسْطَىٰ بِهَا يَلْحَقُ التَّالِي وَ إِلَيْهَا يَرْجِعُ الْغَالِي .

درود خدا بر او، فرمود: ما تکیه گاه میانه ایم، عقب ماندگان به ما می رسند و تندروان غلو کننده به سوی ما باز می گردند.

حکمت ۱۱۰: شرائط تحقق اوامر الهی (سیاسی، اعتقادی)

وَقَالَ [عليه السلام]: لَا يُقِيمُ أَمْرَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ إِلَّا مَنْ لَا يُصَانِعُ وَلَا يُضَارِعُ وَلَا يَتَّبِعُ الْمَطَامِعَ .

درود خدا بر او، فرمود: فرمان خدا را بر پا ندارد، جز آن کس که در اجرای حق مدارا نکند و به روش اهل باطل عمل نکند و پیرو فرمان طمع نگردد.

حکمت ۱۱۱: عشق تحمل ناشدنی امام علی [عليه السلام] (اعتقادی)

وَقَالَ [عليه السلام]: وَقَدْ تَوَقَّيْ سَهْلُ بْنُ حَنِيْفٍ الْأَنْصَارِيَّ بِالْكُوفَةِ بَعْدَ مَرْجِعِهِ مَعَهُ مِنْ صِفِّينَ وَكَانَ أَحَبَّ النَّاسِ إِلَيْهِ

لَوْ أَحَبَّنِي جَبَلٌ لَتَهَافَّتَ مَعْنَى ذَلِكَ أَنْ الْمَحْنَةَ تَغْلُظُ عَلَيْهِ فَتَسْرِعُ الْمَصَائِبُ إِلَيْهِ وَ لَا يَفْعَلُ ذَلِكَ إِلَّا بِالْأَتْقِيَاءِ الْأَبْرَارِ وَ الْمُصْطَفِيِّينَ الْأَخْيَارِ وَ هَذَا مِثْلُ قَوْلِهِ [عليه السلام].

درود خدا بر او: (پس از بازگشت از جنگ صفین ، یکی از یاران دوست داشتنی امام، سهل بن حنیف از دنیا رفت).

فرمود: اگر کوهی مرا دوست بدارد، در هم فرو می ریزد. (یعنی مصیبت ها به سرعت به سراغ او آید، که این سرنوشت در انتظار پرهیزکاران و برگزیدگان خداست ، همانند آن در حکمت ۱۱۲ آمده است).

حکمت ۱۱۲: مشکلات شیعه بودن!! (اعتقادی ، سیاسی)

مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَلَيْسَتْ عِدَّةٌ لِلْفَقْرِ جِلْبَابًا

و قد يؤول ذلك على معنى آخر ليس هذا موضع ذكره.

درود خدا بر او، فرمود: هر کس ما اهل بیت پیامبر (ص) را دوست بدارد، پس باید فقر را چونان لباس رویین بپذیرد. (یعنی آماده انواع محرومیت ها باشد).

حکمت ۱۱۳: ارزش های والای اخلاقی (اخلاقی)

وَقَالَ [عليه السلام]: لَا مَالَ أَعُوذُ مِنَ الْعَقْلِ وَ لَا وَحْدَةَ أَوْحَسُ مِنَ الْعُجْبِ وَ لَا عَقْلَ كَالْتَدْبِيرِ وَ لَا كَرَمَ كَالْتَقْوَى وَ لَا قَرِينَ كَحُسْنِ الْخُلُقِ وَ لَا مِيرَاثَ كَالْأَدَبِ وَ لَا قَائِدَ كَالْتَوْفِيقِ وَ لَا تِجَارَةَ كَالْعَمَلِ الصَّالِحِ وَ لَا رِيحَ كَالثَّوَابِ وَ لَا وَرَعَ كَالْوُقُوفِ عِنْدَ الشُّبْهَةِ وَ لَا زُهْدَ كَالزُّهْدِ فِي الْحَرَامِ وَ لَا عِلْمَ كَالْتَفَكُّرِ وَ لَا عِبَادَةَ كَأَدَاءِ الْفَرَائِضِ وَ لَا إِيْمَانَ كَالْحَيَاءِ وَ الصَّبْرِ وَ لَا حَسَبَ كَالْتَوَاضُعِ وَ لَا شَرَفَ كَالْعِلْمِ وَ لَا عِزَّ كَالْحِلْمِ وَ لَا مَظَاهِرَةَ أَوْثَقَ مِنَ الْمَشَاوِرَةِ .

درود خدا بر او، فرمود: سرمایه ای از عقل سودمندتر نیست و هیچ تنهایی ترسناک تر از خودبینی و عقلی چون دوراندیشی و هیچ بزرگواری چون تقوی و همنشینی چون اخلاقی خوش و میراثی چون ادب و رهبری چون توفیق الهی و تجارتي چون عمل صالح و سودی چون پاداش الهی و هیچ پارسایی چون پرهیز از شُبّهات و زُهدی همچون بی اعتنائی به دنیای حرام و دانشی چون اندیشیدن و عبادتی چون انجام واجبات و ایمانی چون حیا و صبر و خویشاوندی چون فروتنی و شرافتی چون دانش و عزتی چون بردباری و پشتیبانی مطمئن تر از مشورت کردن نیست.

حکمت ۱۱۴: جایگاه خوشبینی و بدبینی در جامعه (اخلاقی، اجتماعی)

وَقَالَ [عليه السلام]: إِذَا اسْتَوَى الصَّلَاحُ عَلَى الزَّمَانِ وَأَهْلِهِ ثُمَّ أَسَاءَ رَجُلٌ الظَّنَّ بِرَجُلٍ لَمْ تَظْهَرِ مِنْهُ حَوْبَةٌ فَقَدْ ظَلَمَ وَإِذَا اسْتَوَى الفَسَادُ عَلَى الزَّمَانِ وَأَهْلِهِ فَأَحْسَنَ رَجُلٌ الظَّنَّ بِرَجُلٍ فَقَدْ غَرَّرَ.

درود خدا بر او، فرمود: هرگاه نیکوکاری بر روزگار و مردم آن غالب آید، اگر کسی دیگری گمان بد برد، در حالی که از او عمل زشتی آشکار نشده ستم کار است و اگر بدی بر زمانه و مردم آن غالب شود و کسی به دیگری خوش گمان باشد، خود را فریب داد.

حکمت ۱۱۵: توجه به پایان پذیری دنیا (اخلاقی)

وَقِيلَ لَهُ [عليه السلام]: كَيْفَ نَجِدُكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ ع كَيْفَ يَكُونُ حَالُ مَنْ يَفْنَى بِيَقَائِهِ وَ يَسْقَمُ بِصِحَّتِهِ وَ يُؤْتَى مِنْ مَأْمَنِهِ.

درود خدا بر او، فرمود: شخصی از امام پرسید حال شما چگونه است؟ فرمود: چگونه خواهد بود حال کسی که در بقای خود ناپایدار و در سلامتی بیمار است و در آنجا که آسایش دارد مرگ او فرا می رسد!

حکمت ۱۱۶: انسان و انواع آزمایش ها (اعتقادی، اخلاقی)

وَقَالَ [عليه السلام]: كَمْ مِنْ مُسْتَدْرَجٍ بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِ وَ مَغْرُورٍ بِالسَّتْرِ عَلَيْهِ وَ مَفْتُونٍ بِحُسْنِ الْقَوْلِ فِيهِ وَ مَا ابْتَلَى اللَّهُ أَحَدًا بِمِثْلِ الْإِمْلَاءِ لَهُ.

درود خدا بر او، فرمود: چه بسا کسی که با نعمت هایی که به او رسیده، به دام افتد و با پرده پوشی بر گناه، فریب خورد و با ستایش شدن، آزمایش گردد و خدا هیچ کس را به چیزی همانند مهلت دادن، نیازموده.

حکمت ۱۱۷: پرهیز از افراط و تفریط در دوستی با امام [عليه السلام] (اعتقادی، اخلاقی)

وَقَالَ [عليه السلام]: هَلَكَ فِي رَجُلَانِ مُحِبٌّ غَالٍ وَ مُبْغِضٌ قَالٍ.

درود خدا بر او، فرمود: دو تن به خاطر من به هلاکت رسیدند: دوست افراط کننده و دشمن دشنام دهنده.

حکمت ۱۱۸: استفاده از فرصت ها (اخلاقی)

وَقَالَ [عليه السلام]: إِضَاعَةُ الْفُرْصَةِ غُصَّةٌ .

درود خدا بر او، فرمود: از دست دادن فرصت ها، اندوهبار است.

حکمت ۱۱۹: ضرورت شناخت دنیا (اخلاقی، تربیتی)

وَقَالَ [عليه السلام]: مَثَلُ الدُّنْيَا كَمَثَلِ الْحَيَّةِ لَيِّنٌ مَسَّهَا وَ السَّمُّ النَّاقِعُ فِي جَوْفِهَا يَهْوِي إِلَيْهَا الْغَرُّ الْجَاهِلُ وَ يَحْذَرُهَا ذُو اللَّبِّ الْعَاقِلُ .

درود خدا بر او، فرمود: دنیای حرام چون مار سمی است، پوست آن نرم ولی سم کشنده در درون دارد، نادان فریب خورده به آن می گراید و هوشمند عاقل از آن دوری گزیند.

حکمت ۱۲۰: روانشناسی قبائل قریش (علمی، اجتماعی، تاریخی)

وَسُئِلَ [عليه السلام] عَنْ قُرَيْشٍ فَقَالَ أَمَّا بَنُو مَخْزُومٍ فَرِيحَانَةٌ قُرَيْشٍ نُحِبُّ حَدِيثَ رِجَالِهِمْ وَ النَّكَاحَ فِي نِسَائِهِمْ وَ أَمَّا بَنُو عَبْدِ شَمْسٍ فَأَبْعَدُهَا رَأْيًا وَ أَمْنَعُهَا لِمَا وَرَاءَ ظُهُورِهَا وَ أَمَّا نَحْنُ فَأَبْدَلُ لِمَا فِي أَيْدِينَا وَ أَسْمَحُ عِنْدَ الْمَوْتِ بِنُفُوسِنَا وَ هُمْ أَكْثَرُ وَ أَمْكُرُ وَ أَنْكَرُ وَ نَحْنُ أَفْصَحُ وَ أَنْصَحُ وَ أَصْبَحُ .

درود خدا بر او: از امام درباره قریش پرسیدند، فرمود: اما بنی مخزوم، گل خوشبوی قریشند که شنیدن سخن مردانشان و ازدواج با زنانشان را دوست داریم؛ اما بنی عبد شمس بد اندیش تر و بخیل تر می باشند و اما ما (بنی هاشم) آنچه در دست داریم بخشنده تر و برای جانبازی در راه دین سخاوتمندتریم. آن ها شمارشان بیشتر اما فریبکارتر و زشت روی ترند و ما گویاتر و خیرخواه تر و خوش روی تریم.

حکمت ۱۲۱: لذتهای زودگذر و ثوابهای ماندگار

وَقَالَ [عليه السلام]: شَتَانٌ مَا بَيْنَ عَمَلَيْنِ عَمَلٍ تَذْهَبُ لَذَّتُهُ وَ تَبْقَى تَبِعَتُهُ وَ عَمَلٍ تَذْهَبُ مَثْوَنَتُهُ وَ يَبْقَى أَجْرُهُ .

درود خدا بر او، فرمود: چقدر فاصله بین دو عمل دور است: عملی که لذتش می رود و کیفر آن می ماند و عملی که رنج آن می گذرد و پاداش آن ماندگار است!

حکمت ۱۲۲: عبرت از مرگ یاران (اخلاقی، اجتماعی)

وَتَبِعَ جِنَازَةً فَسَمِعَ رَجُلًا يَضْحَكُ فَقَالَ كَانَ الْمَوْتُ فِيهَا عَلَيَّ غَيْرِنَا كُنْتُ وَكَانَ الْحَقُّ فِيهَا عَلَيَّ غَيْرِنَا وَجَبَّ وَكَانَ الَّذِي نَرَى مِنَ الْأَمْوَاتِ سَفْرًا عَمَّا قَلِيلٍ إِلَيْنَا رَاجِعُونَ نُبَوِّئُهُمْ أَجْدَاءَهُمْ وَنَأْكُلُ تَرَائِثَهُمْ كَمَا نُمُخِّلِدُونَ بَعْدَهُمْ ثُمَّ قَدْ نَسِينَا كُلَّ وَاعِظٍ وَوَاعِظَةٍ وَرَمِينَا بِكُلِّ فَادِحٍ وَجَائِحَةٍ .

درود خدا بر او: (در پی جنازه ای می رفت و شنید که مردی می خندد).

فرمود: گویی مرگ بر غیر ما نوشته شده ، و حق بر غیر ما واجب گردید ، و گویا این مردگان مسافرانی هستند که به زودی باز می گردند ، در حالی که بدن هایشان را به گورها می سپاریم ، و میراثشان را می خوریم . گویا ما پس از مرگ آنان جاودانه ایم !!! آیا چنین است ، که اندرز هر پند دهنده ای از زن و مرد را فراموش می کنیم و در حالی که نشانه تیرهای بلا و آفات قرار گرفته ایم ؟

حکمت ۱۲۳: الگوهای کامل انسانیت (اخلاقی)

وَقَالَ [عليه السلام]: طُوبَى لِمَنْ ذَلَّ فِي نَفْسِهِ وَطَابَ كَسْبُهُ وَصَلَحَتْ سَرِيرَتُهُ وَحَسُنَتْ خَلِيقَتُهُ وَانْفَقَ الْفُضْلَ مِنْ مَالِهِ وَامْسَكَ الْفُضْلَ مِنْ لِسَانِهِ وَعَزَلَ عَنِ النَّاسِ شَرَّهُ وَوَسِعَتْهُ السُّنَّةُ وَلَمْ يُنْسَبْ إِلَى الْبِدْعَةِ .

قال الرضى أقول و من الناس من ينسب هذا الكلام إلى رسول الله ص و كذلك الذى قبله.

درود خدا بر او، فرمود: خوشا به حال آن کس که خود را کوچک می شمارد و کسب و کار او پاکیزه است و جانش پاک و اخلاقش نیکوست. مازاد بر مصرف زندگی را در راه خدا بخشش می کند و زبان را از زیاده گویی باز می دارد و آزار او به مردم نمی رسد و سنت پیامبر (ص) او را کفایت کرده ، بدعتی در دین خدا نمی گذارد.

(برخی حکمت ۱۲۳ و ۱۲۲ را از پیامبر (ص) نقل کرده اند).

حکمت ۱۲۴: روانشناسی زن و مرد (علمی، اخلاقی)

وَقَالَ [عليه السلام]: غَيْرَةُ الْمَرْأَةِ كُفْرٌ وَغَيْرَةُ الرَّجُلِ إِيْمَانٌ .

درود خدا بر او، فرمود: غیرت زن، کفر آور و غیرت مرد نشانه ایمان اوست.

حکمت ۱۲۵: امام و شناساندن اسلام (معنوی، اعتقادی)

وَقَالَ [عليه السلام]: لَأَنْسِبَنَّ الْإِسْلَامَ نِسْبَةً لَمْ يَنْسَبْهَا أَحَدٌ قَبْلِي الْإِسْلَامُ هُوَ التَّسْلِيمُ وَالتَّسْلِيمُ هُوَ الْيَقِينُ وَ الْيَقِينُ هُوَ التَّصَدِيقُ وَ التَّصَدِيقُ هُوَ الْإِقْرَارُ وَ الْإِقْرَارُ هُوَ الْأَدَاءُ وَ الْأَدَاءُ هُوَ الْعَمَلُ .

درود خدا بر او، فرمود: اسلام را چنان می شناسانم که پیش از من کسی آن گونه معرفی نکرده باشد. اسلام همان تسلیم در برابر خدا و تسلیم همان یقین داشتن و یقین اعتقاد راستی و باور راستین همان اقرار درست و اقرار درست انجام مسئولیت ها و انجام مسؤولیت ها همان عمل کردن به احکام دین است.

حکمت ۱۲۶: شگفتی ضد ارزش ها (اخلاقی، اجتماعی، اعتقادی)

وَقَالَ [عَلَيْهِ السَّلَامُ]: عَجِبْتُ لِلْبَخِيلِ يَسْتَعْجِلُ الْفَقْرَ الَّذِي مِنْهُ هَرَبَ وَيَفُوتُهُ الْغِنَى الَّذِي إِيَّاهُ طَلَبَ فَيَعِيشُ فِي الدُّنْيَا عَيْشَ الْفُقَرَاءِ وَيَحَاسِبُ فِي الْآخِرَةِ حِسَابَ الْأَغْنِيَاءِ وَعَجِبْتُ لِلْمُتَكَبِّرِ الَّذِي كَانَ بِالْأَمْسِ نُطْفَةً وَيَكُونُ عَدَاً جِيفَةً وَعَجِبْتُ لِمَنْ شَكَ فِي اللَّهِ وَهُوَ يَرَى خَلْقَ اللَّهِ وَعَجِبْتُ لِمَنْ نَسِيَ الْمَوْتَ وَهُوَ يَرَى الْمَوْتَ وَعَجِبْتُ لِمَنْ أَنْكَرَ النَّشْأَةَ الْآخِرَى وَهُوَ يَرَى النَّشْأَةَ الْأُولَى وَعَجِبْتُ لِغَامِرٍ دَارَ الْفَنَاءِ وَتَارِكٍ دَارَ الْبَقَاءِ .

درود خدا بر او، فرمود: در شگفتم از بخیل: به سوی فقری می شتابد که از آن می گریزد و سرمایه ای را از دست می دهد که برای آن تلاش می کند در دنیا چون تهیدستان زندگی می کند، اما در آخرت چون سرمایه داران محاکمه می شود و در شگفتم از متکبری که دیروز نقطه ای بر ارزش و فردا مرداری گنبدیده خواهد بود و در شگفتم از آن کس که آفرینش پدیده ها را می نگرد و در وجود خدا تردید دارد! و در شگفتم از آن کس که مردگان را می بیند و مرگ را از یاد برده است و در شگفتم از آن کس که پیدایش دوباره را انکار می کند در حالی که پیدایش آغازین را می نگرد و در شگفتم از آن کس که خانه نابودشدنی را آباد می کند اما جایگاه همیشگی را از یاد برده است.

حکمت ۱۲۷: نکوهش از نستی در عمل (اخلاقی)

وَقَالَ [عَلَيْهِ السَّلَامُ]: مَنْ قَصَرَ فِي الْعَمَلِ ابْتُلِيَ بِالْهَمِّ وَلَا حَاجَةَ لِلَّهِ فِيمَنْ لَيْسَ لِلَّهِ فِي مَالِهِ وَنَفْسِهِ نَصِيبٌ .

درود خدا بر او، فرمود آن کس که در عمل کوتاهی کند، دچار اندوه گردد و آن را که از مال و جانش بهره ای در راه خدا نباشد خدا را به او نیاز نیست.

حکمت ۱۲۸: تأثیر عوامل زیست محیطی در سلامت (علمی، بهداشتی)

وَقَالَ [عَلَيْهِ السَّلَامُ]: تَوَقَّوْا الْبَرْدَ فِي أَوْلِهِ وَتَلَقَّوْهُ فِي آخِرِهِ فَإِنَّهُ يَفْعَلُ فِي الْأَبْدَانِ كَفَعْلِهِ فِي الْأَشْجَارِ أَوْلُهُ يُحْرِقُ وَآخِرُهُ يُورِقُ .

درود خدا بر او، فرمود: در آغاز سرما خود را بپوشانید و در پایانش آن را در یابید، زیرا با بدن ها همان می کند که با برگ درختان خواهد کرد: آغازش می سوزاند و پایانش می رویاند.

وَ قَالَ [عليه السلام]: عِظَمُ الْخَالِقِ عِنْدَكَ يُصَغِّرُ الْمَخْلُوقَ فِي عَيْنِكَ .

دروود خدا بر او، فرمود: بزرگی پروردگار در جانت، پدیده ها را در چشمت کوچک می نمایاند.

حکمت ۱۳۰: توجه به فنا پذیری دنیا (اخلاقی، معنوی)

وَ قَالَ [عليه السلام]: وَ قَدْ رَجَعَ مِنْ صِفِّينَ فَأَشْرَفَ عَلَى الْقُبُورِ بظَاهِرِ الْكُوفَةِ يَا أَهْلَ الدِّيَارِ الْمُوحِشَةَ وَ الْمَحَالِّ الْمُقْفَرَةَ وَ الْقُبُورِ الْمُظْلَمَةَ يَا أَهْلَ التُّرْبَةِ يَا أَهْلَ الْغُرْبَةِ يَا أَهْلَ الْوَحْدَةِ يَا أَهْلَ الْوَحْشَةِ أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ سَابِقٌ وَ نَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ لَأَحِقُّ أَمَّا الدُّورُ فَقَدْ سَكِنَتْ وَ أَمَّا الْأَزْوَاجُ فَقَدْ نُكِحَتْ وَ أَمَّا الْأَمْوَالُ فَقَدْ قُسِمَتْ هَذَا خَبْرٌ مَا عِنْدَنَا فَمَا خَبِرٌ مَا عِنْدَكُمْ ثُمَّ انْتَفَتَ إِلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ أَمَا لَوْ أَدِنَ لَهُمْ فِي الْكَلَامِ لَأَخْبَرُوكُمْ أَنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى .

دروود خدا بر او، فرمود: (امام [عليه السلام] وقتی از جنگ صفین برگشت و به قبرستان پشت دروازه کوفه رسید رو به مردگان کرد) فرمود:

ای ساکنان خانه های وحشت زا و محله های خالی و گورهای تاریک، ای خفتگان در خاک، ای غریبان، ای تنهان شدگان، ای وحشت زدگان، شما پیش از ما رفتید و ما در پی شما روانیم و به شما خواهیم رسید. اما خانه هایتان! دیگران در آن سکونت گزیدند و اما زنانتان! با دیگران ازدواج کردند و اما اموال شما! در میان دیگران تقسیم شد! این خبری است که ما داریم، حال شما چه خبر دارید؟ (سپس به اصحاب خود رو کرد و فرمود:) بدانید که اگر اجازه سخن گفتن داشتند، شما را خبر می دادند که، بهترین توشه، تقوا است.

حکمت ۱۳۱: توبیخ الدّام للدنیا توبیخ نکوهش کننده دنیا (اخلاقی، اجتماعی)

وَ قَالَ [عليه السلام]: وَ قَدْ سَمِعَ رَجُلًا يَذُمُّ الدُّنْيَا أَيُّهَا الدَّامُ لِلدُّنْيَا الْمُغْتَرُّ بِغُرُورِهَا الْمَخْدُوعُ بِأَبَاطِيلِهَا أ تَغْتَرُّ بِالدُّنْيَا ثُمَّ تَذُمَّهَا أَنْتَ الْمُتَجَرِّمُ عَلَيْهَا أَمْ هِيَ الْمُتَجَرِّمَةُ عَلَيْكَ مَتَى اسْتَهْوَيْتَكَ أَمْ مَتَى غَرَّتَكَ أ بِمَصَارِعِ آبَائِكَ مِنَ الْبِلَى أَمْ بِمَضَاجِعِ أُمَّهَاتِكَ تَحْتَ الثَّرَى كَمْ عَلَلَّتْ بِكَفَيْكَ وَ كَمْ مَرَّضَتْ بِبَيْدِكَ تَبْتَغِي لَهُمُ الشِّفَاءَ وَ تَسْتَوْصِفُ لَهُمُ الْأَطِبَّاءَ غَدَاهُ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ دَوَاؤُكَ وَ لَا يُجْدِي عَلَيْهِمْ بُكَاءُكَ لَمْ يَنْفَعْ أَحَدَهُمْ إِشْفَاقُكَ وَ لَمْ تُسَعِفْ فِيهِ بِطَلِبَتِكَ وَ لَمْ تَدْفَعْ عَنْهُ بِقُوَّتِكَ وَ قَدْ مَثَلَتْ لَكَ بِهِ الدُّنْيَا نَفْسَكَ وَ بِمَصْرَعِهِ مَصْرَعَكَ إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ صِدْقٍ لِمَنْ صَدَقَهَا وَ دَارُ عَافِيَةٍ لِمَنْ فِيمَ عَنْهَا وَ دَارُ غِنَى لِمَنْ تَزَوَّدَ مِنْهَا وَ دَارُ مَوْعِظَةٍ لِمَنْ اتَّعَظَ بِهَا مَسْجِدُ أَحِبَّاءِ اللَّهِ وَ مُصَلَّى مَلَائِكَةِ اللَّهِ وَ مَهْبِطُ وَحْيِ اللَّهِ وَ مَتَجَرُّ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ اكَتَسَبُوا فِيهَا الرَّحْمَةَ وَ رَبِحُوا فِيهَا الْجَنَّةَ فَمَنْ ذَا يَذُمَّهَا وَ قَدْ آذَنْتَ بَيْنَهَا وَ نَادَتْ بِفِرَاقِهَا وَ نَعَتْ نَفْسَهَا وَ أَهْلَهَا فَمَثَلَتْ لَهُمْ بِلَائِهَا الْبَلَاءَ وَ شَوْقَتَهُمْ بِسُرُورِهَا إِلَى السُّرُورِ رَاحَتْ بِعَافِيَةٍ وَ ابْتَكَّرَتْ بِفَجِيعَةٍ تَرْغِيبًا وَ تَرْهِيبًا وَ تَخْوِيفًا وَ تَحْذِيرًا فَذَمُّهَا رِجَالٌ غَدَاهُ النَّدَامَةُ وَ حَمْدُهَا آخِرُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ذَكَرْتَهُمُ الدُّنْيَا فَتَذَكَّرُوا وَ حَدَّثْتَهُمْ فَصَدَّقُوا وَ وَعَظْتَهُمْ فَاتَّعَظُوا .

درود خدا بر او: (شنید مردی دنیا را نکوهش می کند).

فرمود: ۱- توبیخ نکوهش کننده دنیا: ای نکوهش کننده دنیا ، که به غرور دنیا مغروری و با باطل های آن فریب خوردی! خود فریفته دنیایی و آن را نکوهش می کنی؟ آیا تو در دنیا جرمی مرتکب شده ای؟ یا دنیا به تو جرم کرده است؟ کی دنیا تو را سرگردان کرد؟ و در چه زمانی تو را فریب داد؟ آیا با گورهای پدران که پوسیده اند؟ (تو را فریب داد) یا آرامگاه مادرانت که در زیر خاک آرمیده اند؟ آیا با دو دست خویش بیماران را درمان کرده ای؟ و آنان را پرستاری کرده در بسترشان خوابانده ای؟ در خواست شفای آنان را کرده ای؟ و از طیبیان داروی آن را ها تقاضا کرده ای؟ در آن صبحگاهان که داروی تو به حال آنان سودی نداشت و گریه تو فایده نکرد و ترس تو آنان را سودی نرساند و آنچه می خواستی به دست نیاوردی و با نیروی خود نتوانستی مرگ را از آنان دور کنی. دنیا برای تو حال آنان را مثال زد و با گورهایشان، گور خودت را به رُخ تو کشید.

۲- خوبیهها و زیباییهای دنیا: همانا دنیا سرای راستی برای راست گویان و خانه تندرستی برای دنیا شناسان و خانه بی نیازی برای توشه گیران و خانه پند، برای پند آموزان است. دنیا سجده گاه دوستان خدا، نماز گاه فرشتگان الهی، فرودگاه وحی خدا و جایگاه تجارت دوستان خداست که در آن رحمت خدا را به دست آوردند. و بهشت را سود بردند. چه کسی دنیا را نکوهش می کند؟ و حال آن که دنیا جدا شدنش را اعلام داشته و فریاد زد که ماندگار نیست، و از نابودی خود و اهلش خبر داده است؟ با بلای خود بلاها را نمونه آورد و با شادمانی خود آنان را به شادمانی رساند. در آغاز شب به سلامت گذشت ، اما در صبحگاهان با مصیبتی جانکاه بازگشت، تا مشتاق کند و تهدید نماید، و بترساند و هشدار دهد. پس مردمی در بامداد با پشیمانی، دنیا را نکوهش کنند، و مردمی دیگر در روز قیامت آن را می ستایند، دنیا حقایق را به یادشان آورد، یادآور آن شدند، از رویدادها برایشان حکایت کرد، او را تصدیق کردند و اندرزشان داد، پند پذیرفتند.

حکمت ۱۳۲: ضرورت یاد مرگ (اخلاقی)

وَقَالَ [عليه السلام]: إِنَّ لِلَّهِ مَلَكًا يَنَادِي فِي كُلِّ يَوْمٍ لِدُؤَا لِّلْمُوتِ وَ أَجْمَعُوا لِّلْفَنَاءِ وَ ابْنُوا لِلْخَرَابِ .

درود خدا بر او، فرمود: خدا را فرشته ایست که هر روز بانگ می زند: بزیاید برای مردن و فراهم آورید نابود شدن و بسازید برای ویران گشتن.

حکمت ۱۳۳: اقسام مردم و دنیا (اخلاقی)

وَقَالَ [عليه السلام]: الدُّنْيَا دَارٌ مَّمْرٌ لَّا دَارٌ مَّقَرٌّ وَ النَّاسُ فِيهَا رَجُلَانِ رَجُلٌ بَاعَ فِيهَا نَفْسَهُ فَأَوْبَقَهَا وَ رَجُلٌ ابْتَاعَ نَفْسَهُ فَأَعْتَقَهَا.

درود خدا بر او، فرمود: دنیا گذرگاه عبور است، نه جای ماندن و مردم در آن دو دسته اند: یکی آن که خود را فروخت و به تباهی کشاند و دیگری آن که خود را خرید و آزاد کرد.

حکمت ۱۳۴: حقوق دوستان (اخلاقی، اجتماعی)

وَقَالَ [عليه السلام]: لَا يَكُونُ الصَّدِيقُ صَدِيقًا حَتَّى يَحْفَظَ أَخَاهُ فِي ثَلَاثٍ فِي نَكْبَتِهِ وَغَيْبَتِهِ وَوَقَاتِهِ.

درود خدا بر او، فرمود: دوست، دوست نیست مگر آن که حقوق برادرش را در سه جایگاه نگهبان باشد: در روزگار گرفتاری، آن هنگام که حضور ندارد و پس از مرگ.

حکمت ۱۳۵: چهار ارزش برتر (اخلاقی)

وَقَالَ [عليه السلام]: مَنْ أُعْطِيَ أَرْبَعًا لَمْ يُحْرَمَ أَرْبَعًا مَنْ أُعْطِيَ الدُّعَاءَ لَمْ يُحْرَمَ الْإِجَابَةَ وَمَنْ أُعْطِيَ التَّوْبَةَ لَمْ يُحْرَمِ الْقَبُولَ وَمَنْ أُعْطِيَ الْإِسْتِغْفَارَ لَمْ يُحْرَمِ الْمَغْفِرَةَ وَمَنْ أُعْطِيَ الشُّكْرَ لَمْ يُحْرَمِ الزِّيَادَةَ.

قال الرضى و تصديق ذلك كتاب الله قال الله فى الدعاء ادعوني أستجب لكم و قال فى الاستغفار و من يعمل سوءاً أو يظلم نفسه ثم يستغفر الله يجد الله غفوراً رحيماً و قال فى الشكر لئن شكرتم لأزيدنكم و قال فى التوبة إنما التوبة على الله للذين يعملون السوء بجهالة ثم يتوبون من قريب فأولئك يتوب الله عليهم و كان الله عليماً حكيماً.

درود خدا بر او، فرمود: کسی را که چهار چیز دادند، از چهار چیز محروم نباشد: با دعا از اجابت کردن، با توبه از پذیرفته شدن، با استغفار از آمرزش گناه، با شکرگزاری از فزونی نعمت ها.

سید رضی می گوید: (و این حقیقت مورد تصدیق کتاب الهی است که در مورد دعا گفته است: مرا بخوانید تا خواسته های شما را بپردازم. (قرآن کریم، سوره مؤمن، آیه ۶۰) در مورد استغفار گفته است: هر آن که به بدی دست یابد یا بر خود ستم روا دارد و از پس به درگاه خدا استغفار کند، خدای را آمرزش گر و مهربان یابد. (قرآن کریم سوره نساء، آیه ۱۱۰) در مورد سپاس فرموده است: بی شک اگر سپاس گزارید، نعمت می افزایم. (قرآن کریم، سوره ابراهیم، آیه ۷) و در مورد توبه فرموده است: تنها توبه را خداوند از کسانی می پذیرد که از سر نادانی به کار زشتی دست می یابند و تا دیر نشده است باز می گردند، تنها چنین کسانی که خداوند در موردشان تجدید نظر می کند، که خدا دانا و حکیم است. (قرآن کریم، سوره نساء، آیه ۱۷).

حکمت ۱۳۶: فلسفه احکام الهی (اخلاقی، معنوی)

وَقَالَ [عليه السلام]: الصَّلَاةُ قُرْبَانٌ كُلُّ تَقِيٍّ وَ الْحَجُّ جِهَادٌ كُلُّ ضَعِيفٍ وَ لِكُلِّ شَيْءٍ زَكَاةٌ وَ زَكَاةُ الْبَدَنِ الصِّيَامُ وَ جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ .

درود خدا بر او فرمود: نماز موجب نزدیکی هر پارسایی به خداست و حج جهاد هر ناتوان است. هر چیزی زکاتی دارد و زکات تن، روزه و جهاد زن، نیکو شوهر داری است.

حکمت ۱۳۷: صدقه راه نزول روزی (اخلاقی، اقتصادی)

وَقَالَ [عليه السلام]: اسْتَنْزِلُوا الرِّزْقَ بِالصَّدَقَةِ .

درود خدا بر او، فرمود: روزی را به وسیله صدقه فرود آورید.

حکمت ۱۳۸: نقش پاداش الهی در انفاق (اخلاقی، اعتقادی)

وَقَالَ [عليه السلام]: مَنْ أَيَقِنَ بِالْخَلْفِ جَادَ بِالْعَطِيَّةِ .

درود خدا بر او، فرمود: آن که پاداش الهی را باور دارد، در بخشش سخاوتمند است.

حکمت ۱۳۹: تناسب امداد الهی با نیازها (اعتقادی)

وَقَالَ [عليه السلام]: تَنْزِلُ الْمَعُونَةُ عَلَى قَدْرِ الْمُتَوَكِّلِ .

درود خدا بر او، فرمود: کمک الهی به اندازه نیاز فرود می آید.

حکمت ۱۴۰: قناعت و بی نیازی (اقتصادی)

وَقَالَ [عليه السلام]: مَا عَالَ مَنْ افْتَصَدَ .

درود خدا بر او، فرمود: آن که میانه روی کند تهیدست نخواهد شد.

حکمت ۱۴۱: راه آسایش (اجتماعی، اقتصادی)

وَقَالَ [عليه السلام]: قِلَّةُ الْعِيَالِ أَحَدُ الْيَسَارِينِ .

درود خدا بر او، فرمود: اندک بودن تعداد زن و فرزند یکی از دو آسایش است.

حکمت ۱۴۲: دوستی ها و خردمندی (اخلاقی، اجتماعی)

وَقَالَ [عليه السلام]: التَّوَدُّدُ نِصْفُ الْعَقْلِ .

درود خدا بر او، فرمود: دوستی کردن نیمی از خردمندی است.

حکمت ۱۴۳: غمها و پیری زودرس (اخلاقی، بهداشت روانی)

وَقَالَ [عليه السلام]: الْهَمُّ نِصْفُ الْهَرَمِ .

درود خدا بر او، فرمود: اندوه خوردن، نیمی از پیری است.

حکمت ۱۴۴: تناسب بردباری با مصیبتها (اخلاقی، معنوی)

وَقَالَ [عليه السلام]: يَنْزِلُ الصَّبْرُ عَلَى قَدْرِ الْمُصِيبَةِ وَ مَنْ ضَرَبَ يَدَهُ عَلَى فِخْذِهِ عِنْدَ مُصِيبَتِهِ حَبِطَ عَمَلُهُ .

درود خدا بر او، فرمود: صبر با اندازه مصیبت فرود آید و آن که در مصیبت بی تاب بر رانش زند، اجرش نابود می گردد.

حکمت ۱۴۵: عبادتهای بی حاصل (اخلاقی، معنوی، عبادی)

وَقَالَ [عليه السلام]: كَمْ مِنْ صَائِمٍ لَيْسَ لَهُ مِنْ صِيَامِهِ إِلَّا الْجُوعُ وَالظَّمَأُ وَ كَمْ مِنْ قَائِمٍ لَيْسَ لَهُ مِنْ قِيَامِهِ إِلَّا السَّهْرُ وَالْعَنَاءُ حَبْدًا نَوْمُ الْأَكْيَاسِ وَ إِفْطَارُهُمْ .

درود خدا بر او، فرمود بسا روزه داری که بهره ای جز گرسنگی و تشنگی از روزه داری خود ندارد و بسا شب زنده داری که از شب زنده داری چیزی جز رنج و بی خوابی به دست نیاورد! خوشا خواب زیرکان و افطارشان!

حکمت ۱۴۶: ارزش دعا ، صدقه و زکات دادن (اخلاقی، اقتصادی)

وَقَالَ [عليه السلام]: سَوْسُوا إِيمَانَكُمْ بِالصَّدَقَةِ وَ حَصِّنُوا أَمْوَالَكُمْ بِالزَّكَاةِ وَ ادْفَعُوا أَمْوَاجَ الْبَلَاءِ بِالِدُّعَاءِ .

و درود خدا بر او، فرمود: ایمان خود را با صدقه دادن و اموالتان را با زکات دادن نگاهدارید و امواج بلا را با دعا از خود برانید.

حکمت ۱۴۷: (عملی، اخلاقی، اعتقادی)

وَمِنْ كَلَامٍ لَهُ [عليه السلام]: لِكُمَيْلِ بْنِ زِيَادٍ النَّخَعِيِّ قَالَ كُمَيْلُ بْنُ زِيَادٍ أَخَذَ بِيَدِي أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ [عليه السلام] فَأَخْرَجَنِي إِلَى الْجَبَانِ فَلَمَّا أَصْحَرَ تَنَفَّسَ الصَّعْدَاءُ ثُمَّ قَالَ :
يَا كُمَيْلُ بْنُ زِيَادٍ إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ أَوْعِيَةٌ فَخَيْرُهَا أَوْعَاهَا فَاحْفَظْ عَنِّي مَا أَقُولُ لَكَ النَّاسُ ثَلَاثَةٌ فَعَالِمٌ رَبَّانِيٌّ وَ مَتَعَلِّمٌ عَلَى سَبِيلِ نَجَاةٍ وَ هَمَجٌ رَعَاعٌ أَتْبَاعُ كُلِّ نَاعِقٍ يَمِيلُونَ مَعَ كُلِّ رِيحٍ لَمْ يَسْتَضِيئُوا بِنُورِ الْعِلْمِ وَ لَمْ يَلْجَأُوا إِلَى رُكْنٍ وَثِيقٍ يَا كُمَيْلُ الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ الْعِلْمُ يَحْرُسُكَ وَ أَنْتَ تَحْرُسُ الْمَالَ وَ الْمَالُ تَنْقُصُهُ النَّفَقَةُ وَ الْعِلْمُ يَزْكُو عَلَى الْإِنْفَاقِ وَ صَنِيعُ الْمَالِ يَزُولُ بِزَوَالِهِ يَا كُمَيْلُ بْنُ زِيَادٍ مَعْرِفَةُ الْعِلْمِ دِينٌ يُدَانُ بِهِ بِهِ يَكْسِبُ الْإِنْسَانُ الطَّاعَةَ فِي حَيَاتِهِ وَ جَمِيلَ الْأَحْدُوثِ بَعْدَ وَفَاتِهِ وَ الْعِلْمُ حَاكِمٌ وَ الْمَالُ مَحْكُومٌ عَلَيْهِ يَا كُمَيْلُ هَلَكَ خَزَانُ الْأَمْوَالِ وَ هُمْ أَحْيَاءٌ وَ الْعُلَمَاءُ بِأَقْوَنَ مَا بَقِيَ الدَّهْرُ أَعْيَانُهُمْ مَفْقُودَةٌ وَ أَمْثَالُهُمْ فِي الْقُلُوبِ مَوْجُودَةٌ هَا إِنَّ هَاهُنَا لَعِلْمًا جَمًّا وَ أَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى صَدْرِهِ لَوْ أَصَبْتُ لَهُ حَمَلَةً بَلَى أَصَبْتُ لِقْنَا غَيْرَ مَأْمُونٍ عَلَيْهِ مُسْتَعْمِلًا آلَةَ الدِّينِ لِلدُّنْيَا وَ مُسْتَظْهِرًا بِنِعْمِ اللَّهِ عَلَى عِبَادِهِ وَ بِحُجَجِهِ عَلَى أَوْلِيَائِهِ أَوْ مُنْفَادًا

لِحَمَلِهِ الْحَقِّ لَا بَصِيرَةَ لَهُ فِي أَحْنَائِهِ يَنْقَدِحُ الشَّكُّ فِي قَلْبِهِ لِأَوَّلِ عَارِضٍ مِنْ شُبُهَةِ آلَا لَا ذَا وَ لَا ذَاكَ أَوْ
 مَنَّهُومَا بِاللَّذَّةِ سَلِسِ الْقِيَادِ لِلشَّهْوَةِ أَوْ مُغْرَمًا بِالْجَمْعِ وَ الْإِدْخَارِ لَيْسَا مِنْ رِعَاةِ الدِّينِ فِي شَيْءٍ أَقْرَبُ شَيْءٍ
 شَبَهَا بِهِمَا الْأَنْعَامَ السَّائِمَةَ كَذَلِكَ يَمُوتُ الْعِلْمُ بِمَوْتِ حَامِلِيهِ اللَّهُمَّ بَلَى لَا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّةٍ
 إِمَّا ظَاهِرًا مَشْهُورًا وَ إِمَّا خَائِفًا مَغْمُورًا لِنَلَّا تَبْطُلُ حُجَجُ اللَّهِ وَ بَيِّنَاتُهُ وَ كَمِ ذَا وَ أَيْنَ أَوْلَيْكَ أَوْلَيْكَ وَ اللَّهُ
 الْأَقْلُونَ عَدَدًا وَ الْأَعْظَمُونَ عِنْدَ اللَّهِ قَدْرًا يَحْفَظُ اللَّهُ بِهِمْ حُجَجَهُ وَ بَيِّنَاتِهِ حَتَّى يُودِعُوهَا نُظْرَاءَهُمْ وَ
 يَزْرَعُوهَا فِي قُلُوبِ أَشْبَاهِهِمْ ه

جَمَ بِهِمُ الْعِلْمُ عَلَى حَقِيقَةِ الْبَصِيرَةِ وَ بَاشَرُوا رُوحَ الْيَقِينِ وَ اسْتَلَانُوا مَا اسْتَوَعَرَهُ الْمُتَرْقُونَ وَ أَنْسُوا بِمَا
 اسْتَوْحَشَ مِنْهُ الْجَاهِلُونَ وَ صَحَبُوا الدُّنْيَا بِأَبْدَانِ أَرْوَاحِهَا مُعَلَّقَةً بِالْمَحَلِّ الْأَعْلَى أَوْلَيْكَ خُلَفَاءُ اللَّهِ فِي
 أَرْضِهِ وَ الدُّعَاءُ إِلَى دِينِهِ آه آه شَوْقًا إِلَى رُؤْيَيْتِهِمْ أَنْصَرِفُ يَا كَمِيلُ إِذَا شِئْتَ .

و درود خدا بر او، فرمود: (کمیل بن زیاد می گوید: امام دست مرا گرفت و به سوی قبرستان کوفه برد، آنگاه آه پر
 دردی کشید و فرمود:)

ای کمیل بن زیاد! این قلب ها بسان ظرفهایی هستند که بهترین آن ها، فراگیرترین آن هاست، پس آنچه را می
 گویم نگاهدار:

۱- اقسام مردم (مردم شناسی)

مردم سه دسته اند، دانشمند الهی و آموزنده ای بر راه رستگاری و پشه های دست خوش باد و طوفان و همیشه
 سرگردان که به دنبال هر سر و صدایی می روند. و با وزش هر بادی حرکت می کنند؛ نه از روشنایی دانش نور
 گرفتند و نه به پناهگاه استواری پناه گرفتند.

۲- ارزش های والای دانش

ای کمیل: دانش بهتر از مال است. زیرا علم، نگهبان تو است، ولی تو باید از مال خویش نگهداری کنی؛ مال با
 بخشیدن کم می شود اما علم با بخشش فزونی گیرد و مقام و شخصیتی که با مال به دست آمده با نابودی مال ،
 نابود می گردد.

ای کمیل بن زیاد! شناخت علم راستین (علم الهی آیینی است که با آن پاداش داده می شود و انسان در دوران
 زندگی با آن خدا را اطاعت می کند و پس از مرگ، نام نیکو به یادگار گذارد. دانش. فرمانروا و مال، فرمانبر است.

۳- ارزش دانشمندان

ای کمیل! ثروت اندوزان بی تقوا، مرده ای به ظاهر زنده اند، اما دانشمندان تا دنیا بر قرار است زنده اند،
 بدن هایشان گرچه در زمین پنهان اما یاد آنان در دل ها همیشه زنده است.

۴- اقسام دانش پژوهان

بدان که در اینجا (اشاره به سینه مبارک کرد) دانش فراوانی انباشته است، ای کاش کسانی را می یافتیم که
 می توانستند آن را بیاموزند؟ آری تیزهوشانی می یابیم اما مورد اعتماد نمی باشند. دین را وسیله دنیا قرار داده و
 با نعمت های خدا بر بندگان و با برهان های الهی بر دوستان خدا فخر می فروشند. یا گروهی که تسلیم حاملان
 حق می باشند اما ژرف انیسی لازم را در شناخت حقیقت ندارند، که با اولین شبهه ای، شک و تردید در دلشان
 ریشه می زند؛ پس نه آنها و نه اینها، سزاوار آموختن دانش های فراوان من نمی باشند. یا فرد دیگری که سخت
 در پی لذت بوده و اختیار خود را به شهوت داده است، یا آن که در ثروت اندوزی حرص می ورزد، هیچ کدام از

آنان نمی توانند از دین پاسداری کنند و بیشتر به چهارپایان چرنده شباهت دارند و چنین است که دانش با مرگ دارندگان دانش می میرد.

۵- ویژگی های رهبران الهی

آری! خداوندا! زمین هیچ گاه از حجت الهی خالی نیست که برای خدا با برهان روشن قیام کند، یا آشکار و شناخته شده، یا بیمناک و پنهان، تا حجت خدا باطل نشود و نشانه هایش از میان نرود. تعدادشان چقدر؟ و در کجا هستند؟ به خدا سوگند! که تعدادشان اندک ولی نزد خدا بزرگ مقدارند، که خدا به وسیله آنان حجت ها و نشان های خود را نگاه می دارد، تا به کسانی که همانندشان هستند بسپارد و در دل های آن بکارد، آنان که دانش، نور حقیقت بینی را بر قلبشان تابیده و روح یقین را در یافته اند که آنچه را خوشگذران ها دشوار می شمارند، آسان گرفتند و آن چه که ناآگاهان از آن هراس داشتند انس گرفتند. در دنیا با بدن هایی زندگی می کنند که ارواحشان به جهان بالا پیوند خورده است، آنان جانشینان خدا در زمین و دعوت کنندگان مردم به دین خدایند. آه، آه، چه سخت اشتیاق دیدارشان را دارم! کمیل! هرگاه خواستی بازگرد.

حکمت ۱۴۸: تنقش سخن در شناخت انسان (رفتار شناسی) (اخلاقی، علمی)

وَقَالَ [عَلِيهِ السَّلَامُ]: الْمَرْءُ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ .

و درود خدا بر او، فرمود: انسان زیر زبان خود پنهان است.

حکمت ۱۴۹: ضرورت خود شناسی (اخلاقی)

وَقَالَ [عَلِيهِ السَّلَامُ]: هَلَاكَ أَمْرٌ لَمْ يَعْرِفْ قَدْرَهُ .

و درود خدا بر او، فرمود: نابود شد کسی که ارزش خود را ندانست.

حکمت ۱۵۰: ضد ارزش ها و هشدارها (اخلاقی، اجتماعی، سیاسی)

وَقَالَ [عَلِيهِ السَّلَامُ]: لِرَجُلٍ سَأَلَهُ أَنْ يَعِظَهُ لَأ تَكُنْ مِمَّنْ يَرْجُو الْآخِرَةَ بِغَيْرِ عَمَلٍ وَ يَرْجُو التَّوْبَةَ بِطُولِ الْأَمَلِ يَقُولُ فِي الدُّنْيَا بِقَوْلِ الزَّاهِدِينَ وَ يَعْمَلُ فِيهَا بِعَمَلِ الرَّاعِيِينَ إِنْ أُعْطِيَ مِنْهَا لَمْ يَشَبَعْ وَ إِنْ مَنَعَ مِنْهَا لَمْ يَقْنَعْ يَعْجُزُ عَنِ الشُّكْرِ مَا أُوتِيَ وَ يَبْتَغِي الزِّيَادَةَ فِيمَا بَقِيَ يَنْهَى وَ لَا يَنْتَهِي وَ يَأْمُرُ بِمَا لَا يَأْتِي يُحِبُّ الصَّالِحِينَ وَ لَا يَعْمَلُ عَمَلَهُمْ وَ يَبْغِضُ الْمُذْنِبِينَ وَ هُوَ أَحَدُهُمْ يَكْرَهُ الْمَوْتَ لِكَثْرَةِ ذُنُوبِهِ وَ يَقِيمُ عَلَى مَا يَكْرَهُ الْمَوْتَ مِنْ أَجْلِهِ إِنْ سَقِمَ ظَلَّ نَادِمًا وَ إِنْ صَحَّ أَمِنَ لَاهِيًا يُعْجَبُ بِنَفْسِهِ إِذَا عَوْفَى وَ يَقْنَطُ إِذَا ابْتَلَى إِنْ أَصَابَهُ بَلَاءٌ دَعَا مُضْطَرًّا وَ إِنْ نَالَ رَحَاءً أَعْرَضَ مُغْتَرًّا تَغْلِبُهُ نَفْسُهُ عَلَى مَا يَطْنُ وَ لَا يَغْلِبُهَا عَلَى مَا يَسْتَيْقِنُ يَخَافُ عَلَى غَيْرِهِ بِأَدْتِي مِنْ ذَنْبِهِ وَ يَرْجُو لِنَفْسِهِ بِأَكْثَرِ مِنْ عَمَلِهِ إِنْ اسْتَعْنَى بِطَرٍ وَ فِتْنٍ وَ إِنْ افْتَقَرَ قَنَطَ وَ وَهَنَ يَقْصُرُ إِذَا عَمِلَ وَ يَبَالِغُ إِذَا سَأَلَ إِنْ عَرَضَتْ لَهُ شَهْوَةٌ أَسْلَفَ الْمَعْصِيَةَ وَ سَوَّفَ التَّوْبَةَ وَ إِنْ عَرَّتْهُ مِحْنَةٌ أَنْفَرَجَ عَنِ شَرَائِطِ الْمِلَّةِ يَصِفُ الْعِبْرَةَ وَ لَا يَعْتَبِرُ وَ يَبَالِغُ فِي الْمَوْعِظَةِ وَ لَا يَتَعَطَّى فَهَوَ بِالْقَوْلِ مُدِلٌّ وَ مِنَ الْعَمَلِ مَقِلٌّ يَنَافِسُ فِيمَا يَفْتَنِي وَ يَسَامِحُ فِيمَا يَبْقَى يَرَى الْغَنَمَ مَعْرَمًا وَ الْغُرْمَ مَعْنَمًا يَخْشَى

الْمَوْتُ وَ لَا يُبَادِرُ الْفَوْتَ يَسْتَعْظِمُ مِنْ مَعْصِيَةِ غَيْرِهِ مَا يَسْتَقِلُّ أَكْثَرَ مِنْهُ مِنْ نَفْسِهِ وَ يَسْتَكْثِرُ مِنْ طَاعَتِهِ مَا يَحْقِرُهُ مِنْ طَاعَةِ غَيْرِهِ فَهُوَ عَلَى النَّاسِ طَاعِنٌ وَ لِنَفْسِهِ مُدَاهِنٌ اللَّهُوَ مَعَ الْأَعْيَاءِ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنَ الذَّكْرِ مَعَ الْفُقَرَاءِ يَحْكُمُ عَلَى غَيْرِهِ لِنَفْسِهِ وَ لَا يَحْكُمُ عَلَيْهَا لِغَيْرِهِ يُرْشِدُ غَيْرَهُ وَ يَغْوِي نَفْسَهُ فَهُوَ يُطَاعُ وَ يَعْصَى وَ يَسْتَوْفَى وَ لَا يُوفَى وَ يَخْشَى الْخَلْقَ فِي غَيْرِ رَبِّهِ وَ لَا يَخْشَى رَبَّهُ فِي خَلْقِهِ

قال الرضى و لو لم يكن فى هذا الكتاب إلا هذا الكلام لكفى به موعظة ناجعة و حكمة بالغة و بصيرة لمبصر و عبرة لناظر مفكر .

و درود خدا بر او، فرمود: (مردى از امام درخواست اندرز كرد).

از كسانى مباح كه بدون عمل صالح به آخرت اميدوار است و توبه را با آرزوهاى دراز به تأخير مى اندازد، در دنيا چونان زاهدان سخن مى گويد، اما در رفتار همانند دنيا پرستان است، اگر (نعمت ها به او برسد سير نمى شود و در محروميت قناعت ندارد، از آنچه به او رسيد شكرگزار نيست و از آنچه مانده، زياده طلب است.

ديگران را پرهيز مى دهد اما خود پروا ندارد، به فرمانبردارى امر مى كند اما خود فرمان نمى برد، نيكوكاران را دوست دارد، اما رفتارشان را ندارد، گناهكاران را دشمن دارد اما خود يكي از گناهكاران است و با گناهان فراوان مرگ را دوست نمى دارد، اما در آنچه كه مرگ را ناخوشايند ساخت پافشارى دارد، اگر بيمار شود پشيمان مى شود و اگر مصيبتى به او رسد به زارى خدا را مى خواند؛ اگر به گشايش، دست يافت مغرورانه از خدا روى بر مى گرداند، نفس به نيروى گمان ناروا بر او چيرگى دارد و او با قدرت يقين بر نفس چيره نمى گردد.

براى ديگران كه گناهى كمتر از او دارند نگران و بيش از [چه كه عمل كرده اميدوار است. اگر بى نياز گردد مست و مغرور شود و اگر تهى دست گردد، مأیوس و سست شود، چون كار كند در آن كوتاهى ورزد و چون چيزى خواهد زياده روى نماى ، چون در برابر شهوت قرار گيرد گناه را برگزيد ، توبه را به تأخير اندازد و چون رنجى به او رسد از راه ملت اسلام دورى گزيند، عبرت آموزى را طرح مى كند اما خود عبرت نمى گيرد، در پند دادن مبالغه مى كند اما خود پند پذير نمى باشد.

سخن بسيار مى گويد، اما كردار خوب او اندك است! براى دنياى زودگذر تلاش و رقابت دارد اما براى آخرت جاويدان آسان مى گذرد؛ سود را زيان و زيان را سود مى پندارد، از مرگ هراسناك است اما فرصت را از دست مى دهد، گناه ديگران را بزرگ مى شمارد، اما گناهان بزرگ خود را كوچك مى پندارد، طاعت خود را ريكارانه بر خورد مى كند، خوشگذرانى با سرمايه داران را بيشتر از ياد خدا با مستمندان دوست دارد، به نفع خود بر زيان ديگران حكم مى كند اما هرگز به نفع ديگران بر زيان خود حكم نخواهد كرد.

حکمت ۱۵۱: ضرورت آینده نگری (اخلاقی)

وَ قَالَ [عليه السلام]: لِكُلِّ امْرِئٍ عَاقِبَةٌ حُلُوَةٌ أَوْ مُرَّةٌ .

و درود خدا بر او، فرمود: هر كس را پايانى است؛ تلخ يا شيرين.

حکمت ۱۵۲: توجه به فنا پذیری (اخلاقی)

وَقَالَ [عليه السلام]: لِكُلِّ مُقْبِلٍ إِدْبَارٌ وَمَا أُدْبِرَ كَانَ لَمْ يَكُنْ .

و درود خدا بر او، فرمود: آنچه روی می آورد، باز می گردد و چیزی که باز گردد، گویی هرگز نبوده است!

حکمت ۱۵۳: صبر و پیروزی (اخلاقی، سیاسی)

وَقَالَ [عليه السلام]: لَا يَعْدَمُ الصَّبْرُ الظَّفَرَ وَإِنْ طَالَ بِهِ الزَّمَانُ .

و درود خدا بر او، فرمود: انسان شکمبا، پیروزی را از دست نمی دهد، هر چند زمان آن طولانی شود.

حکمت ۱۵۴: اهمیت نیت ها (اخلاقی، سیاسی)

وَقَالَ [عليه السلام]: الرَّاضِي بِفِعْلٍ قَوْمٍ كَالدَّاحِلِ فِيهِ مَعَهُمْ وَعَلَى كُلِّ دَاخِلٍ فِي بَاطِلٍ إِثْمَانٍ إِثْمُ الْعَمَلِ بِهِ وَإِثْمُ الرِّضَى بِهِ .

و درود خدا بر او، فرمود: آن کس که از کار مردمی خشنود باشد، چونان کسی است که همراه آنان بوده و هر کس که به باطلی روی آورد، دو گناه بر عهده او باشد: گناه کردار باطل و گناه خشنودی به کار باطل.

حکمت ۱۵۵: ضرورت پایبندی به عهد و پیمان (اخلاق اجتماعی)

وَقَالَ [عليه السلام]: اعْتَصِمُوا بِالذِّمَمِ فِي أَوْتَادِهَا .

و درود خدا بر او، فرمود: عهد و پیمان ها را پاس دارید به خصوص با وفاداران.

حکمت ۱۵۶: ضرورت خدانشناسی و اطاعت (اخلاقی، عبادی، اجتماعی)

وَقَالَ [عليه السلام]: عَلَيْكُمْ بِطَاعَةِ مَنْ لَا تُعْذِرُونَ بِجَهَالَتِهِ .

و درود خدا بر او، فرمود: خدای را اطاعت کنید که در نشناختن پروردگار عذری ندارید.

حکمت ۱۵۷: فراهم بودن راه های هدایت (اخلاقی، اقتصادی)

وَقَالَ [عليه السلام]: قَدْ بَصَّرْتُمْ إِنْ أَبْصَرْتُمْ وَقَدْ هَدَيْتُمْ إِنْ اهْتَدَيْتُمْ وَأَسْمِعْتُمْ إِنْ اسْتَمَعْتُمْ .

و درود خدا بر او، فرمود: اگر چشم بینا داشته باشید، حقیقت را نشانتان داده اند، اگر هدایت می طلبید شما را هدایت کرده اند، اگر گوش شنوا دارید، حق را به گوشتان خواندند.

حکمت ۱۵۸: روش برخورد با دوستان بد (اخلاق اجتماعی)

وَقَالَ [عليه السلام]: عَاتِبْ أَخَاكَ بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِ وَارْجُدْ شَرَّهُ بِالْإِنْعَامِ عَلَيْهِ .

و درود خدا بر او، فرمود: برادرت را با احسانی که در حق او می کنی سرزنش کن و شر او را با بخشش بازگردان.

حکمت ۱۵۹: پرهیز از مواضع اتهام (اخلاق اجتماعی)

وَقَالَ [عليه السلام]: مَنْ وَضَعَ نَفْسَهُ مَوَاضِعَ التُّهْمَةِ فَلَا يُلُومَنَّ مَنْ أَسَاءَ بِهِ الظَّنَّ .

و درود خدا بر او، فرمود: کسی که خود را در جایگاه تهمت قرار داد، نباید جز خود را نکوهش کند!

حکمت ۱۶۰: قدرت و زورگویی (اخلاقی، سیاسی)

وَقَالَ [عليه السلام]: مَنْ مَلَكَ اسْتَأْثَرَ .

و درود خدا بر او، فرمود: هر کس قدرت به دست آورد، زورگویی دارد.

حکمت ۱۶۱: ارزش مشورت و پرهیز از خودمحوری (اخلاقی، سیاسی، اجتماعی)

وَقَالَ [عليه السلام]: مَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ وَ مَنْ شَاوَرَ الرَّجَالَ شَارَكَهَا فِي عُقُولِهَا .

و درود خدا بر او، فرمود: هر کس خود رأی شد به هلاکت رسید و هر کس با دیگران مشورت کرد، در عقل های آنان شریک شد.

حکمت ۱۶۲: ضرورت رازداری (اخلاقی، سیاسی)

وَقَالَ [عليه السلام]: مَنْ كَتَمَ سِرَّهُ كَانَتْ الْخَيْرَةُ بِيَدِهِ .

و درود خدا بر او، فرمود: آن کس که راز خود را پنهان دارد، اختیار آن در دست اوست.

حکمت ۱۶۳: فقر و نابودی (اقتصادی)

وَقَالَ [عليه السلام]: الْفَقْرُ الْمَوْتُ الْأَكْبَرُ .

و درود خدا بر او، فرمود: فقر مرگ بزرگ است!

حکمت ۱۶۴ : روش برخورد با متجاوزان (اخلاقی، سیاسی، اجتماعی)

وَقَالَ [عليه السلام]: مَنْ قَضَى حَقَّ مَنْ لَا يَقْضِي حَقَّهُ فَقَدْ عَبَدَهُ .

و درود خدا بر او، فرمود: رعایت حق کسی که او حقش را محترم نمی شمارد نوعی بردگی است.

حکمت ۱۶۵: پرهیز از نافرمانی خدا (اخلاقی، اعتقادی)

وَقَالَ [عليه السلام]: لَا طَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ .

و درود خدا بر او، فرمود: هیچ اطاعتی از مخلوق، در نافرمانی پروردگار نیست!

حکمت ۱۶۶: پرهیز از تجاوز به حقوق دیگران (اخلاقی، اجتماعی)

وَقَالَ [عليه السلام]: لَا يُعَابُ الْمَرْءُ بِتَأْخِيرِ حَقِّهِ إِنَّمَا يُعَابُ مَنْ أَخَذَ مَا لَيْسَ لَهُ .

و درود خدا بر او، فرمود: مرد را سرزنش نکنند که چرا حقش را با تأخیر می گیرد، بلکه سرزنش در آنجاست که آنچه حقش نیست بگیرد.

حکمت ۱۶۷: خودپسندی و محرومیت ها (اخلاقی)

وَقَالَ [عليه السلام]: الْإِعْجَابُ يَمْنَعُ الزُّدِيَادَ .

و درود خدا بر او، فرمود: خود پسندی مانع فزونی است.

حکمت ۱۶۸: توجه به فناپذیری دنیا (اخلاقی)

وَقَالَ [عليه السلام]: الْأَمْرُ قَرِيبٌ وَالْإِصْطِحَابُ قَلِيلٌ .

و درود خدا بر او فرمود: آخرت نزدیک و زمان ماندن در دنیا اندک است.

حکمت ۱۶۹: آینده نگری (اخلاقی، اعتقادی)

وَقَالَ [عليه السلام]: قَدْ أَضَاءَ الصُّبْحُ لِذِي عَيْنَيْنِ .

و درود خدا بر او، فرمود: صبحگاهان برای آن که دو چشم بینا دارد روشن است.

حکمت ۱۷۰: ضرورت ترک گناه (اخلاقی)

وَقَالَ [عليه السلام]: تَرَكَ الذَّنْبَ أَهْوَنُ مِنْ طَلَبِ الْمَعُونَةِ .

و درود خدا بر او، فرمود: ترک گناه آسان تر از در خواست توبه است.

حکمت ۱۷۱: ره آورد شوم حرام خوری (اخلاقی، اجتماعی)

وَقَالَ [عليه السلام]: كَمْ مِنْ أَكْلَةٍ مَنَعَتْ أَكْلَاتٍ .

و درود خدا بر او، فرمود: بسا لقمه ای گلوگیر که لقمه های فراوانی را محروم می کند.

حکمت ۱۷۲: نادانی ها و دشمنی ها (اخلاقی، علمی)

وَقَالَ [عليه السلام]: النَّاسُ أَعْدَاءُ مَا جَهِلُوا .

و درود خدا بر او، فرمود: مردم دشمن چیزهایی هستند که نمی دانند.

حکمت ۱۷۳: ارزش مشورت ها (اخلاقی، اجتماعی)

وَقَالَ [عليه السلام]: مَنْ اسْتَقْبَلَ وَجْهَ الْأَرَاءِ عَرَفَ مَوَاقِعَ الْخَطَا .

و درود خدا بر او، فرمود: آن کس که از افکار و آراء گوناگون استقبال کند، صحیح را از خطا خوب شناسد.

حکمت ۱۷۴: ارزش خشم در راه خدا (اخلاقی، سیاسی، عقیدتی)

وَقَالَ [عليه السلام]: مَنْ أَحَدَّ سِنَانَ الْغَضَبِ لِلَّهِ قَوِيَ عَلَى قَتْلِ أَسِدَاءِ الْبَاطِلِ .

آن کس که دندان خشم را در راه خدا بر هم فشارد، بر کشتن باطل گرایان، توانمند گردد.

حکمت ۱۷۵: راه درمان ترس (اخلاقی، علمی، تربیتی)

وَقَالَ [عليه السلام]: إِذَا هَبْتَ أَمْرًا فَفَعَّ فِيهِ فَإِنَّ شِدَّةَ تَوْقِيهِ أَعْظَمُ مِمَّا تَخَافُ مِنْهُ .

و درود خدا بر او، فرمود: هنگامی که از چیزی می ترسی، خود را در آن بیفکن، زیرا گاهی ترسیدن از چیزی، از خود آن سخت تر است.

حکمت ۱۷۶ : ابزار ریاست (بردباری فراوان)(اخلاقی، مدیریتی)

وَقَالَ [عليه السلام]: آلهُ الرِّياسَةِ سَعَةُ الصِّدْرِ .

و درود خدا بر او، فرمود: بردباری و تحمل سختی ها، ابزار ریاست است.

حکمت ۱۷۷ : روش بر خورد با بدان(اخلاقی، اجتماعی)

وَقَالَ [عليه السلام]: اِزْجُرِ الْمُسِيءَ بِثَوَابِ الْمُحْسِنِ .

و درود خدا بر او، فرمود: بدکار را با پاداش دادن به نیکوکار آزار بده!

حکمت ۱۷۸ : روش نبود کردن بدی ها(اخلاقی، سیاسی، اجتماعی)

وَقَالَ [عليه السلام]: احْصِدِ الشَّرَّ مِنْ صَدْرٍ غَيْرِكَ بِقَلْعِهِ مِنْ صَدْرِكَ

و درود خدا بر او، فرمود: بدی را از سینه دیگران، با کندن آن از سینه خود، ریشه کن نما!

حکمت ۱۷۹ : لجاجت و سُستی اراده(اخلاقی، اجتماعی)

وَقَالَ [عليه السلام]: اللَّجَاجَةُ تُسَلُّ الرِّأْيَ .

و درود خدا بر او فرمود: لجاجت تدبیر را سُست می کند.

حکمت ۱۸۰ : طمع ورزی و بردگی(اخلاقی، اجتماعی)

وَقَالَ [عليه السلام]: الطَّمَعُ رِقٌّ مُؤَبَّدٌ .

و درود خدا بر او، فرمود: طمع ورزی، بردگی همیشگی است.

حکمت ۱۸۱ : ارزش ، دوران‌دیشی و پرهیز از کوتاهی (اخلاقی)

وَقَالَ [عليه السلام]: ثَمَرَةُ التَّفْرِيطِ النَّدَامَةُ وَ ثَمَرَةُ الْحَزْمِ السَّلَامَةُ .

و درود خدا بر او، فرمود: حاصل کوتاهی، پشیمانی و حاصل دوران‌دیشی، سلامت است.

حکمت ۱۸۲: شناخت جایگاه سخن و سکوت (اخلاقی)

وَقَالَ [عليه السلام]: لَا خَيْرَ فِي الصَّمْتِ عَنِ الْحُكْمِ كَمَا أَنَّهُ لَا خَيْرَ فِي الْقَوْلِ بِالْجَهْلِ .

و درود خدا بر او، فرمود: آنجا که باید سخن درست گفت، در خاموشی خیری نیست، چنانکه در سخن ناآگاهانه نیز خیری نخواهد بود.

حکمت ۱۸۳: باطل گرایی و اختلاف (اخلاقی، سیاسی)

وَقَالَ [عليه السلام]: مَا اخْتَلَفَتْ دَعْوَتَانِ إِلَّا كَانَتْ إِحْدَاهُمَا ضَلَالَةً .

و درود خدا بر او، فرمود: دو دعوت به اختلاف نرسد جز اینکه یکی باطل باشد!

حکمت ۱۸۴: ویژگی های اعتقادی امام [عليه السلام] (اخلاقی)

وَقَالَ [عليه السلام]: مَا شَكَّتُ فِي الْحَقِّ مَذُورِيَّتُهُ .

و درود خدا بر او، فرمود: از روزی که حق برای من نمایان شد، هرگز دچار تردید نشدم!

حکمت ۱۸۵: ویژگی های اعتقادی امام علی [عليه السلام] (اخلاقی)

وَقَالَ [عليه السلام]: مَا كَذَّبْتُ وَلَا كُذِّبْتُ وَلَا ضَلَلْتُ وَلَا ضُلَّ بِي .

و درود خدا بر او، فرمود: هرگز دروغ نگفتم و به من دروغ نگفتند و هرگز گمراه نشدم و کسی به وسیله من گمراه نشده است.

حکمت ۱۸۶: آینده سخت ستمکاران (اخلاقی، سیاسی)

وَقَالَ [عليه السلام]: لِلظَّالِمِ الْبَادِي غَدًا بِكَفِّهِ عَضَّةٌ .

و درود خدا بر او، فرمود: آغاز کننده ستم، در قیامت، انگشت به دندان می گزد.

حکمت ۱۸۷: ضرورت یاد قیامت (اخلاقی)

وَقَالَ [عليه السلام]: الرَّحِيلُ وَشِيكَ .

و درود خدا بر او، فرمود: کوچ کردن نزدیک است!

حکمت ۱۸۸: ضرورت حق‌گرایی (اخلاقی، اعتقادی)

وَقَالَ [عليه السلام]: مَنْ أَبْدَى صَفْحَتَهُ لِحَقِّ هَلَكَ .

و درود خدا بر او، فرمود: هر کس که با حق در آویزد نابود می‌گردد.

حکمت ۱۸۹: ارزش صبر و خطر بی‌تابی (اخلاقی)

وَقَالَ [عليه السلام]: مَنْ لَمْ يُنْجِهِ الصَّبْرُ أَهْلَكَهُ الْجَزَعُ .

و درود خدا بر او، فرمود: کسی را که شکیبایی نجات ندهد، بی‌تابی او را هلاک گرداند.

حکمت ۱۹۰: معیار امامت (اعتقادی، معنوی)

وَقَالَ [عليه السلام]: وَأَعْجَبَاهُ أَنْ تَكُونَ الْخِلَافَةَ بِالصَّحَابَةِ وَالْقُرَابَةِ .

و درود خدا بر او، فرمود: شگفتا! آیا معیار خلافت، صحابی بودن و خویشاوندی ملاک نیست؟ (از امام، شعری در همین مسئله نقل شد که به ابابکر فرمود) اگر ادعا می‌کنی با شورای مسلمین به خلافت رسیدی، چه شورایی بود که رأی دهندگان حضور نداشتند؟ و اگر خویشاوندی را حجت می‌آوری، دیگران از تو به پیامبر نزدیک تر و سزاوار ترند.

حکمت ۱۹۱: مشکلات دنیا (اخلاقی)

وَقَالَ [عليه السلام]: إِنَّمَا الْمَرْءُ فِي الدُّنْيَا غَرَضٌ تَنْتَضِلُ فِيهِ الْمَنَايَا وَنَهْبٌ تُبَادِرُهُ الْمَصَائِبُ وَمَعَ كُلِّ جُرْعَةٍ شَرَقٌ وَفِي كُلِّ أَكْلَةٍ غَصَصٌ وَ لَا يَنَالُ الْعَبْدُ نِعْمَةً إِلَّا بِفِرَاقٍ أُخْرَى وَ لَا يَسْتَقْبِلُ يَوْمًا مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا بِفِرَاقٍ آخَرَ مِنْ أَجَلِهِ فَتَحْنُ أَعْوَانُ الْمُنُونِ وَ أَنْفُسُنَا نَصَبُ الْحُتُوفِ فَمَنْ أَيْنَ نَرْجُو الْبَقَاءَ وَ هَذَا اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ لَمْ يَرْفَعَا مِنْ شَيْءٍ شَرَفًا إِلَّا أَسْرَعَا الْكُرَّةَ فِي هَدْمِ مَا بَنَيَْا وَ تَفْرِيقِ مَا جَمَعَا .

و درود خدا بر او، فرمود: همانا انسان در دنیا تخته نشان تیرهای مرگ و ثروتی است دستخوش تاراج مصیبت‌ها: با هر جرعه نوشیدنی، گلو رفتنی و در هر لقمه‌ای، گلو گیر شدنی است و بنده نعمتی به دست نیاورد جز آن که نعمتی از دست بدهد و روزی به عمرش افزوده نمی‌گردد جز با کم شدن روزی دیگر! پس ما یاران مرگیم و جان‌های ما هدف نابودی‌ها، پس چگونه به ماندن جاودانه امیدوار باشیم؟ در حالی که گذشت شب و روز بنایی را بالا نبرده جز آن که آن را ویران کرده و به اطراف پراکند!

حکمت ۱۹۲: پرهیز از زراندوزی (اخلاقی، اقتصادی)

وَقَالَ [عليه السلام]: يَا ابْنَ آدَمَ مَا كَسَبْتَ فَوْقَ قُوَّتِكَ فَأَنْتَ فِيهِ خَازِنٌ لِّغَيْرِكَ .

و درود خدا بر او، فرمود: ای فرزند آدم، آنچه را که بیش از نیاز خود فراهم کنی، برای دیگران اندوخته ای.

حکمت ۱۹۳: راه به کار گرفتن قلب (اخلاقی، علمی، تربیتی)

وَقَالَ [عليه السلام]: إِنَّ لِلْقُلُوبِ شَهْوَةً وَإِقْبَالًَا وَإِدْبَارًا فَأَتْوَهَا مِنْ قِبَلِ شَهْوَتِهَا وَإِقْبَالِهَا فَإِنَّ الْقَلْبَ إِذَا أَكْرَهَ عَمِي .

و درود خدا بر او، فرمود: دل ها را روی آوردن و پشت کردنی است، پس دل ها را آنگاه به کار وا دارید که خواهشی دارند و روی آوردنی، زیرا اگر دل را به اجبار به کاری وا داری کور می گردد.

حکمت ۱۹۴: ضرورت پرهیز از خشم و انتقام (اخلاقی، اجتماعی)

وَكَانَ [عليه السلام]: يَقُولُ مَتَى أَشْفِي غِيظِي إِذَا غَضِبْتُ حِينَ أَعْجِزُ عَنِ الْإِنْتِقَامِ فَيُقَالُ لِي لَوْ صَبَرْتَ أَمْ حِينَ أَقْدِرُ عَلَيْهِ فَيُقَالُ لِي لَوْ عَفَوْتُ .

و درود خدا بر او، فرمود: چون خشم گیرم، کی آن را فرو نشانم؟ در آن زمان که قدرت انتقام ندارم که به من بگویند: " اگر صبر کنی بهتر است " یا آنگاه که قدرت انتقام دارم؟ که به من بگویند " اگر عفو کنی خوب است ".

حکمت ۱۹۵: پرهیز از بخل ورزی (اخلاقی)

وَقَالَ [عليه السلام]: وَقَدْ مَرَّ بِقَدَرٍ عَلَى مَزْبَلَةٍ هَذَا مَا بَخِلَ بِهِ الْبَاخِلُونَ وَرَوَى فِي خَبَرٍ آخَرَ أَنَّهُ قَالَ هَذَا مَا كُنْتُمْ تَتَنَافَسُونَ فِيهِ بِالْأَمْسِ .

و درود خدا بر او، فرمود: (در سر راه، از کنار مزبله ای عبور می کرد) این همان است که بخیلان به آن بخل می ورزند! و در روایت دیگری نقل شد که این چیزی است که دیروز بر سر آن رقابت می کردید!

حکمت ۱۹۶: عبرت آموزی از إتلاف اموال (اخلاقی، اقتصادی)

وَقَالَ [عليه السلام]: لَمْ يَذْهَبْ مِنْ مَالِكَ مَا وَعَظَكَ .

و درود خدا بر او، فرمود: مالی که نابودی آن تو را پند می دهد، از دست نرفته است.

حکمت ۱۹۷: روش درمان روح (روانشناسی بالینی) (اخلاقی، علمی)

وَقَالَ [عليه السلام]: إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ تَمَلُّ كَمَا تَمَلُّ الْأَبْدَانُ فَابْتَغُوا لَهَا طَرَائِفَ الْحِكْمَةِ

و درود خدا بر او، فرمود: این دلها همانند تن ها خسته می شوند، برای نشاط آن به سخنان تازه حکیمانه روی بیاورید.

حکمت ۱۹۸: ضرورت حکومت (اعتقادی، سیاسی)

وَقَالَ [عليه السلام]: لَمَّا سَمِعَ قَوْلَ الْخَوَارِجِ لَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ كَلِمَةً حَقًّا يَرَادُ بِهَا بَاطِلٌ.

و درود خدا بر او، فرمود: (وقتی شنید که خوارج می گویند حکومت فقط از آن خداست). سخن حقی است که از آن اراده باطل دارند.

حکمت ۱۹۹: نکوهش اوباش (انسان های شرور) (اخلاقی، اجتماعی)

وَقَالَ [عليه السلام]: فِي صِفَةِ الْغَوَّاءِ هُمُ الَّذِينَ إِذَا اجْتَمَعُوا غَلَبُوا وَإِذَا تَفَرَّقُوا لَمْ يُعْرَفُوا وَقِيلَ بَلْ قَالَ ع هُمُ الَّذِينَ إِذَا اجْتَمَعُوا ضُرُّوا وَإِذَا تَفَرَّقُوا نَفَعُوا فَقِيلَ قَدْ عَرَفْنَا مَضْرَّةَ اجْتِمَاعِهِمْ فَمَا مَنِّعَهُ أَفْتِرَاقِهِمْ فَقَالَ يَرْجِعُ أَصْحَابُ الْمِهْنِ إِلَى مِهْنَتِهِمْ فَيَنْتَفِعُ النَّاسُ بِهِمْ كَرُجُوعِ الْبِنَاءِ إِلَى بِنَائِهِ وَالنَّسَاجِ إِلَى مَنْسَجِهِ وَالْخَبَازِ إِلَى مَخْبِزِهِ.

و درود خدا بر او، فرمود: (در تعریف جمع اوباش، فرمود:): آنان چون گرد هم آیند پیروز شوند و چون پراکنده شوند شناخته نگردند. (و گفته شد که امام فرمود) آنان چون گرد هم آیند زیان رسانند و چون پراکنده شوند سود دهند، (از امام پرسیدند چون اوباش گرد هم آیند زیان رسانند را دانستیم، اما چه سودی در پراکندگی آنان است، فرمود) صاحبان کسب و کار و پیشه وران به کارهای خود باز می گردند و مردم از تلاش آنان سود برند، بنا به ساختن ساختمان و بافنده به کارگاه بافندگی و نانوا به نانوايي روی می آورد.

حکمت ۲۰۰: نکوهش انسان های شرور (اخلاقی، اجتماعی)

وَقَالَ [عليه السلام]: وَ أَتَى بَجَانٍ وَ مَعَهُ غَوَّاءٌ فَقَالَ لَا مَرَحَبًا بَوُجُوهِ لَا تُرَى إِلَّا عِنْدَ كُلِّ سَوَاءٍ.

و درود خدا بر او، فرمود: (جنایتکاری را حضور امام آوردند که جمعی اوباش همراه او بودند) مبارک مباد، چهره های که جز به هنگام زشتی ها دیده نمی شوند.